



بررسی گرانای دلار در گفت‌وگویی عضو هیات علمی دانشگاه تهران با فرهیختگان

مدیریت بانک مرکزی باید تغییر کند

منتظر تبعات و پیامدهای منفی دلار ۵۸۰۰ تومانی باشید

در روزهای ابتدای هفته بازار دلار مبتلا به افزایش قیمت ساعتی شده بود. عده‌ای برای حفظ دارایی‌های خود به صرافی‌ها هجوم آورده و برای خرید دلار صف تشکیل دادند. در اوضاع آشفته بازار ارز، دولت سکوت کرده و به نظر می‌رسید سر رشته کار را از دست داده بود. دلایل مختلفی هم برای این اوضاع شمرده می‌شود؛ از سیستم بانکی ناکارآمد و مشکلات ساختاری اقتصادی گرفته تا خواست مشاوران دولت برای بالا بردن قیمت دلار و ترس از تحریم‌های احتمالی آمریکا. هرچه که هست نوسانات قیمت دلار پیکر نحیف تولید داخلی را بیش از پیش خواهد نواخت.

در همین رابطه با میثم موسایی، عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به گفت‌وگو پرداختیم. موسایی معتقد است: «در شرایط فعلی باید تغییر اساسی در مدیریت بانک مرکزی داده شود.» هم اکنون این مصاحبه را از نظر می‌گذرانید.

همان‌طور که می‌دانید قیمت دلار مدام گران و گران‌تر می‌شود در حالی که رئیس‌جمهور قبل از عید گفته بود مردم نگران دلار نباشند، به نظر تان دلیل این افزایش قیمت‌ها چیست؟

این مساله که نرخ ارز افزایش پیدا کرده هم ناشی از دلایل روانی و هم واقعیت‌های اقتصاد ایران است. دلایل روانی این مساله عمدتاً به پیشگیری درباره خروج یا عدم خروج دولت آمریکا از برجام در یک ماه آینده بازمی‌گردد. این احتمال وجود دارد که ترامپ از برجام خارج شود و در آن صورت تحریم‌ها گسترده‌تر خواهد شد و امکان دستیابی ایران به دلارهایی که مربوط به صادرات کالاهای نفتی و غیرنفتی است، مشکل می‌شود. در حال حاضر به بازار ارز هجوم آورده شده و افراد برای اینکه از این افزایش قیمت سودی نصیب‌شان

شود دلار می‌خرند، درواقع این مساله بیشتر جنبه روانی دارد زیرا هنوز اتفاق خاصی نیفتاده است؛ اما از طرف دیگر سیاست‌های پولی-مالی دولت به گونه‌ای بوده که باعث تولید هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان نقدینگی شده است. این حجم از نقدینگی تقریباً دوونیم برابر پنج‌سال پیش است. نقدینگی با توجه به نرخ سود سپرده‌های بانکی که دولت اعمال می‌کند، به سمت سایر بازارها مثل طلا و نقره سوق داده شده است. ناامنی‌ای که مردم در اقتصاد ایران احساس می‌کنند از نظر روانی به مساله دامن زده تا نقدینگی از بخش‌هایی که به‌صورت کامل در رکود هستند و بخش بانک‌ها به سمت ارز و طلا رو بیاورد.

یعنی رکود حاکم بر صنایع نیز از دلایل مهم این اوضاع است؟

بله، اگر دقت کنید تقریباً سرمایه‌گذاری برای افراد صرف نمی‌کند. صنایع ما به دلایل متعدد در حال رکود هستند، قدرت خرید مردم کاهش پیدا کرده و کالاهای ساخت داخل خریداری نمی‌شود، در نتیجه صنایع متقاضی دریافت وام نیستند و اگر هم متقاضی باشند به همین راحتی امکان دسترسی به تسهیلات بانکی ندارند و اگر هم داشته باشند نرخ سود بانکی به گونه‌ای است که در بخش صنعت پاسخگو نیست. در نتیجه بخش صنعت و حتی کشاورزی قادر نیست که از این تسهیلات حدوداً با نرخ ۲۴ درصدی به بالا استفاده کند، این یک مساله مهم است.

می‌خواهید بگویید پای بانک‌ها هم در این اوضاع گیر است؟

حتماً همین‌طور است. اعتماد مردم به سیستم بانکی کاهش پیدا کرده، دلیل آن هم اقدامات بانک مرکزی در یکی، دو سال اخیر است. به درازا کشیدن برخورد با موسسات پولی و اعتباری، یک نوع بازی با سرمایه اجتماعی و اعتماد ملی بود. کسانی که در این موسسات سرمایه‌گذاری کرده و مالباخته بودند، اعتماد خودشان را به سیستم بانکی از دست دادند. این برای سایر شهروندان هم تا اندازه زیادی صادق است و آنها احساس امنیت نمی‌کنند که پول‌های خود را در بانک بگذارند. ضمن اینکه دولت ابتدا به دنبال کاهش نرخ سپرده‌های بانکی بود تا مردم به ازای ۱۰ درصد سود برای سپرده‌های کوتاه‌مدت و ۱۵ درصد برای سپرده‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری کنند، متأسفانه با توجه به نرخ تورم، این سودها برای سپرده‌گذاران به صرفه نیست. با موسسات مالی و انتفاعی که تنها جایی بود که مردم در آن سرمایه‌گذاری و احساس می‌کردند ممکن است بیش از نرخ تورم سود

دریافت کنند هم برخورد شد. دولت مدعی است ۱۱ هزار میلیارد تومان به مالباختگان این موسسات پرداخت کرده، البته در قبال آن از این موسسات، اموال و سرمایه وثیقه گرفته ولی باید گفت ده‌ها برابر این مبلغ به اعتماد مردم ضرر وارد کرده است. درواقع پول و سیستم بانکی مثل یک موسسه خصوصی نیست که به راحتی اعلام شود ورشکسته است و مردم هجوم بیاورند و پول‌های خودشان را بگیرند. مردم به هر موسسه بانکی که بخواهند هجوم بیاورند تا پول‌هایشان را بگیرند، خودبه‌خود ورشکسته خواهد شد. کاری که بانک مرکزی در رابطه با موسسات بانکی انجام داد، همین بود و این موسسات اگر هم می‌توانستند خودشان را بازسازی کنند، سیستم بانکی با اعلام ورشکستگی اینها و توقف فعالیت‌هایشان، زمینه ورشکستگی‌شان را فراهم کرد و شاهد بودید که حتی منجر به اغتشاشات و تظاهرات خیابانی شد. این کاملاً به ضرر سرمایه ملی و اعتماد اجتماعی است که لایمه یک نظام پولی پویاست. در نتیجه مردم از یک طرف احساس ناامنی‌شان افزایش پیدا کرده و از طرف دیگر توقع‌شان بالا رفته و صبرشان هم کم شده است و کوتاه‌مدت‌تر فکر می‌کنند، بنابراین پول‌هایشان را به سمت بازار ارز و طلا و بازارهایی که در شرایط بی‌ثباتی اهمیت پیدا می‌کنند، برده‌اند. بنابراین هجوم این پول‌های سرگردان به سمت بازارهایی که در شرایط عدم ثبات و بحران، بازارهای جذابی هستند، طبیعی است و این یک دلیل مهم اقتصادی برای افزایش نرخ ارز است.

برخی معتقدند بانک مرکزی نمی‌تواند منابع ارزی خود را به سهولت به داخل کشور انتقال دهد؛ شما این عامل را در این اوضاع چقدر موثر می‌دانید؟

گفته می‌شود آمریکا ورود دلار و یورو را به داخل کشور منع کرده و این باعث می‌شود میزان

عرضه ارز در آینده کاهش یافته و دلار افزایش قیمت پیدا کند. اینها عواملی موثری است و نکته مهم‌تر اینکه بالاخره توانایی دولت در عرضه نرخ ارز محدود است، مشخص است که صادرات نفتی و غیرنفتی ما چقدر است و چقدر ارز وارد کشور می‌شود، بخشی از این ارز در سیستم دولتی مصرف می‌شود اما بخش مهمی از آن به سیستم بازار آزاد راه پیدا می‌کند و صرف سفته‌بازی و قاچاق کالا می‌شود. درواقع سفته‌بازی و قاچاق دو عامل مهم در اقتصاد ایران هستند و سایر بخش‌های اقتصادی را ناکارآمد و ناتوان و در عین حال صنعت و کشاورزی را ورشکسته می‌کنند. به‌طور مثال صنایع دستی به دلیل قاچاق کاملاً ورشکسته شده است. در نتیجه مردم با حجم زیاد پولی که در اختیار دارند به خرید دلار رو آورده‌اند، حتی اگر وضعیت بهبود پیدا کند، ممکن است فردا به سمت ساختمان و مسکن رو بیاورند و مسکن گران شود. به هر حال با این روند افزایش نرخ ارز مقداری طبیعی است و مقداری از آن که ناشی از هیجانات روانی است، به قیمت دلار حالت حبابی خواهد داد. در آینده اگر تصمیمات جهانی به سمت ناامنی و برخورد با ایران پیش نرود، افرادی که دلار در خانه‌هایشان جمع کرده‌اند، متضرر خواهند شد.

چند روز پیش مسعود نیلی، دستیار ویژه اقتصادی رئیس‌جمهور از افزایش نرخ ارز دفاع کرده بود. به اعتقاد شما این نوع اظهار نظر مسئولان و دولتی‌ها چقدر در این گرانی‌ها تأثیر دارد؟

من نمی‌دانم این مسئولان چه اظهار نظری در این حوزه کرده‌اند ولی اگر فرض کنیم که مبنای تفکرشان یک اقتصاد نئولیبرالی است، قطعاً آنها معتقدند که نرخ ارز باید در بازار آزاد تعیین شود. در حالی که بازار فعلی شرایط یک بازار رقابتی را ندارد و در واقع دلال‌ها و سفته‌بازها

عمدتاً در بخش رسمی، کالاهای مربوط به مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و تکنولوژی گران‌تر می‌شود. در نتیجه بازمهم محصولاتی که قرار است در داخل تولید شود، گران‌تر تمام خواهد شد و وقتی این اتفاق بیفتد، طبیعتاً تورمی که ایجاد می‌کند به سایر کالاهای خدمات هم تسری پیدا می‌کند و فشار بیشتری به کسانی که فاقد قدرت خرید در شرایط فعلی هستند، وارد می‌کند. در حال حاضر یکی از معماهای بزرگ این است که چرا وقتی مردم قدرت خرید ندارند، بازارها رونق می‌گیرد؟

و موسسات مالی که عمدتاً غیرتولیدی هستند و در بخش صنعت فعالیت نمی‌کنند، در این بازار وجود دارند. پذیرش آن پیش‌شرط‌های اقتصاد نئولیبرالی در چنین اقتصادی، بی‌تردید ما را با مشکل مواجه می‌کند؛ مشکلی که در اکثر کشورهای در حال توسعه اتفاق افتاد؛ اقتصاد ملی‌شان را کاملاً ناتوان کرد و سرمایه‌گذاری در این کشورها اصلاً صورت نگرفت و پول وارد این کشورها نشد، اگر هم شده باشد مثل کشورهای آسیای جنوب شرقی بیشتر پول‌های سفته‌بازی و اقتصاد مالی بوده که آنها را با بحران و ورشکستگی مواجه کرده است. از طرف دیگر آزاد گذاشتن اقتصاد به معنای پذیرش فناوری‌های جدید است که این مساله خودش به معنای پذیرش بیکاری شدیدتر در اقتصاد است؛ مساله‌ای که اغلب در همه کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود.

با توجه به مسائلی که مطرح کردید می‌توانیم بگوییم ارانه بسته بانک مرکزی برای مقابله با نوسانات و التهابات ارزی بی‌اثر بوده است؟

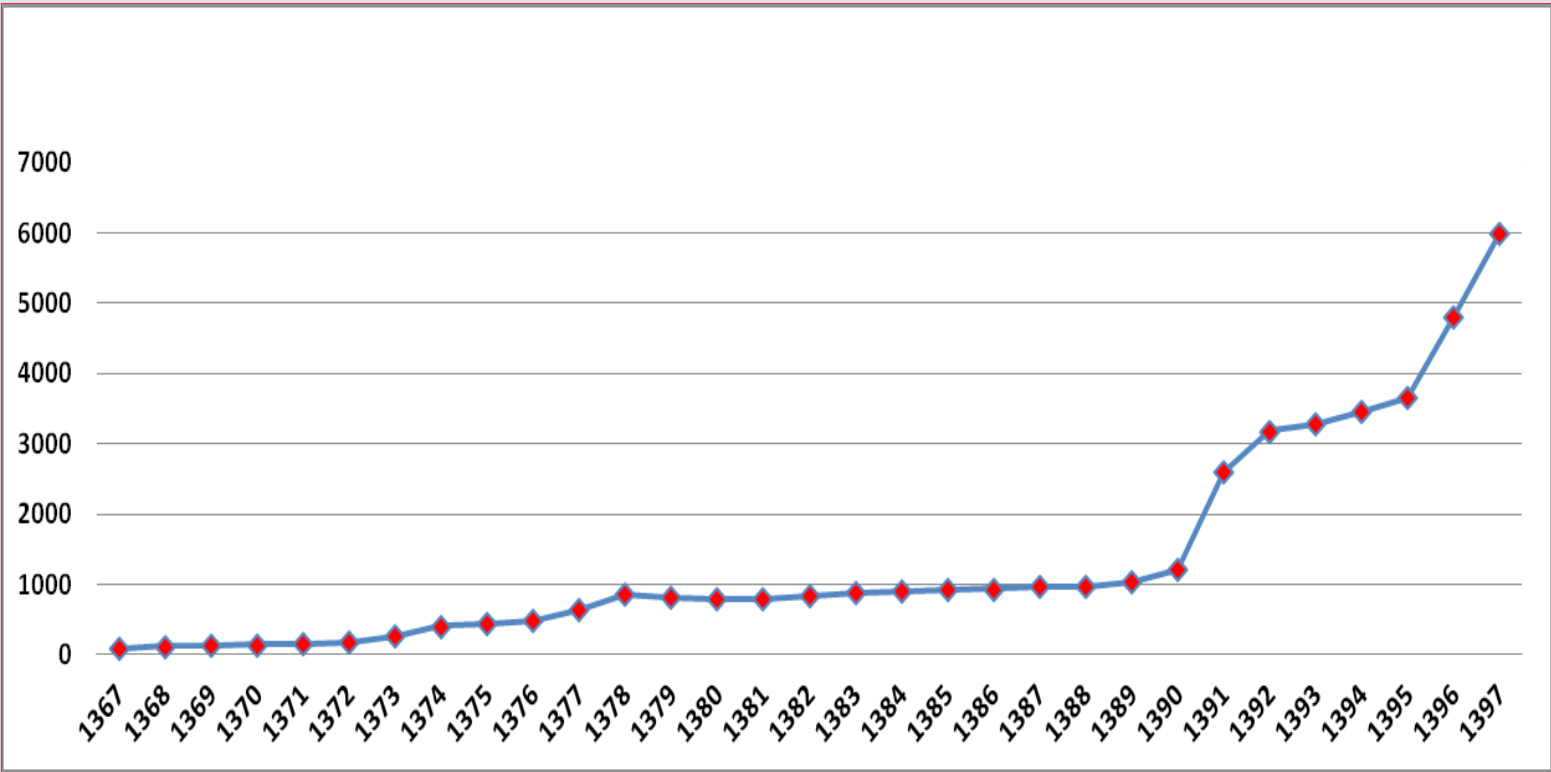
بله، درست است. نه تنها بی‌اثر بوده بلکه سیاست‌های متناقضی که بانک مرکزی اعمال کرده نتیجه عکس داده، درواقع بانک مرکزی به‌صورت دستوری دنبال کاهش نرخ بهره بود. مردم به تورم حول و حوش ۲۰ درصد عادت کرده‌اند و به این راحتی نمی‌توانند این تصور را کنار بگذارند. در عین حال همه راه‌ها به همین سفته‌بازی ختم می‌شود و راه برای سرمایه‌گذاری سپرده‌گذاران جزء و کل بسته است. در حوزه تولید که سرمایه‌گذاری صرف نمی‌کند، در حوزه کشاورزی هم صرف ندارد، حوزه خدمات هم نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. عده محدودی به تسهیلات بانکی دسترسی دارند و نتیجه این شده که کنترل نرخ بهره یک نقطه آغاز برای این سیاست‌گذاری‌های غلط باشد که توسط بانک مرکزی انجام شد؛ قبل از آن هم نحوه مدیریت موسسات اعتباری به سرمایه اجتماعی بانک‌ها لطمه فراوانی وارد کرده است. در شرایط فعلی باید تغییر اساسی در خود مدیریت بانک مرکزی داده شود.

در این باره صحبت‌های ضد و نقیض زیادی مطرح می‌شود؛ به نظر شما اساساً گرانی ارز برای اقتصاد ما چه تبعاتی دارد؟

عمدتاً در بخش رسمی، کالاهای مربوط به مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و تکنولوژی گران‌تر می‌شود. در نتیجه بازمهم محصولاتی که قرار است در داخل تولید شود، گران‌تر تمام خواهد شد و وقتی این اتفاق بیفتد، طبیعتاً تورمی که ایجاد می‌کند به سایر کالاهای خدمات هم تسری پیدا می‌کند و فشار بیشتری به کسانی که فاقد قدرت خرید در شرایط فعلی هستند، وارد می‌کند. در حال حاضر یکی از معماهای بزرگ این است که چرا وقتی مردم قدرت خرید ندارند، بازارها رونق می‌گیرد؟ این مساله مربوط به توزیع درآمد و ثروت در ایران می‌شود که این توزیع به‌شدت غیرعادلانه است و فاصله و شکاف بزرگی بین درآمد‌هاست. درواقع شرکت‌های بزرگ نیازی به این طبقات پایین و قدرت خریدشان ندارند و همان طبقه متوسط رو به بالایی که قدرت خرید دارند، برای آنها کافی است. یک عده محدودی هستند که به این رانت‌ها و سپرده‌های بانکی دسترسی دارند و تولیدات آنها هم توسط همین طبقه متوسط رو به بالا خریداری می‌شود. حال آن طبقه زیرخط فقر در این میان لطمه شدیدی خواهند دید و اساس بقای مردم به نظر من در شرایط فعلی مقدم است.



نمودار/جدول نوشت



قیمت دلار در ۳۰ سال گذشته			
سال	قیمت دلار (تومان)	سال	قیمت دلار (تومان)
۱۳۶۷	۹۶	۱۳۸۳	۳۱۸۳
۱۳۶۸	۱۲۰	۱۳۸۴	۳۲۸۰
۱۳۶۹	۱۴۱	۱۳۸۵	۳۴۵۰
۱۳۷۰	۱۴۲	۱۳۸۶	۳۶۵۰
۱۳۷۱	۱۴۹	۱۳۸۷	۴۸۰۰
۱۳۷۲	۱۸۰	۱۳۸۸	۶۰۰۰
۱۳۷۳	۲۶۶	۱۳۸۹	-
۱۳۷۴	۴۰۷	۱۳۹۰	-
۱۳۷۵	۴۴۴	۱۳۹۱	-
۱۳۷۶	۴۷۸	۱۳۹۲	-
۱۳۷۷	۶۴۶	۱۳۹۳	-
۱۳۷۸	۸۶۳	۱۳۹۴	-
۱۳۷۹	۸۱۹	۱۳۹۵	-
۱۳۸۰	۸۰۰	۱۳۹۶	-
۱۳۸۱	۸۰۱	۱۳۹۷	-
۱۳۸۲	۸۳۲	-	-